

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حمید مؤمنی (م. بید سرخی)  
بازتایپ و ارسال از: یوسف فرهادی هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان «ساما»  
۰۱ سپتمبر ۲۰۲۰

## مختصری از تاریخ جامعه

۷

### فصل ششم

#### پیدایش پیشاوری و تشکیل شهر

در میان دهقانان کم کم صنایع دستی رشد می کرد، به طوری که برخی از دهقانان در ساختن بعضی از چیزها تخصص پیدا کردند. این دهقانان چیزهایی را که می ساختند، مقداری از آن را خودشان مصرف می کردند و مقداری را نیز به دیگران می دادند و به جای آن چیز دیگری می گرفتند (مبادله مستقیم)، مقداری را هم جزو بهره مالکانه به ارباب می دادند. حتی برخی از دهقانان، تولید صنایع دستی شان به قدری زیاد بود که به جای تمام بهره مالکانه خود، اشیای ساخته شده به ارباب می دادند. کم کم ارباب ها به دهقانان صنعتگر اجازه دادند که مقداری از اشیای ساخته شده خود را که مورد نیاز خودشان نبود در روزهای جشن به نمایش بگذارند و بدینوسیله به فروش برسانند. این نمایشگاهها بیشتر در کنار قلعه فئودال یا در کنار معابد تشکیل می شد. تا این که کم کم با افزایش تولید، بازار دایمی به وجود آمد. صنعتگران در کنار دیوار معابد، نزدیک گذار رودخانه و یا در محل تقاطع راههای بزرگ می نشستند و ساخته های خود را می فروختند. پیدایش بازار سبب شد که تخصص های دهقانان مشخص تر شود و نیز میزان تولید ساخته های دستی افزایش بیشتری پیدا کند. چیزهایی را که تا کنون دهقانان صنعتگر می ساختند، بیشتر برای مصرف خودشان بود و مقدار کمی از آن را هم با سایر دهقانان دیگر مبادله می کردند و یا به ارباب می دادند، ولی با به وجود آمدن بازار، دیگر دهقانان صنعتگر بیشتر برای بازار می ساختند. چیزی را که کسی برای فروش در بازار بسازد، به آن «کالا» می گویند. صنعتگرانی که کالا تولید می کردند، دیگر فرصت نداشتند به کارهای کشاورزی و دامداری بپردازند. در نتیجه تقسیم کار به وجود آمد. یعنی عده ای از دهقانان، دیگر کشاورزی و دامداری نمی کردند و فقط به صنعتگری می پرداختند. این تقسیم کار را دانشمندان دومین تقسیم اجتماعی کار در تاریخ بشر می دانند. اولین تقسیم اجتماعی کار، جدا شدن کشاورزی از دامداری بود. در اینجا ذکر نکته ای لازم است و آن این که دومین تقسیم اجتماعی کار، یعنی جدا شدن صنعت از کشاورزی و دامداری در نظام اشتراکی نخستین آغاز شد، در نظام برده داری

کمی توسعه یافت ولی در آغاز دوران فنودالیزم مختل شد. جداسدن اساسی صنعت از کشاورزی و دامداری در مرحله تکاملی فنودالیزم انجام گرفت.

دومین تقسیم اجتماعی کار سبب شد که شهر به وجود بیاید. یعنی، صنعتگران دیگر لزومی نداشت در روستای خود ساکن شوند، بلکه محل دیگری برای کار و زندگی خود انتخاب کردند که این محل اغلب در اطراف قلعه فنودال، در مراکز حکومتی، در اطراف معابد، در نزدیکی گذار رودخانه و یا در محل تقاطع راههای بزرگ بود. البته باید به یاد داشته باشیم که شهر به طور کلی سابقه طولانی تری دارد. در دوران برده داری نیز شهرهایی وجود داشته ولی اولاً این شهرها بیشتر مراکز اداری و حکومتی بوده اند و کمتر محل پیشه وری و دادوستد، دوم تعداد شهرها و توسعه آن ها در دوران برده داری خیلی کم بوده و سوم در آغاز دوران فنودالیزم، شهرها تقریباً از بین رفته بودند، به طوری که دیگر اکثر شهرها به جز چند شهر بزرگ آسیا و افریقای شمالی دیگر مراکز پیشه وری و بازار نبودند. پس پیدایش و توسعه شهر به معنای واقعی آن مربوط به دوران تکاملی فنودالیزم است.

در دورانی که نظام فنودالیزم داشت تکامل می یافت، کم کم شهرها توسعه پیدا کردند و صنعتگری هر چه بیشتر از کشاورزی و دامداری جدا می گردید. بین صنایع مختلف نیز تخصص های گوناگون تری به وجود می آمد. اما توسعه شهر در دوران فنودالیزم نیز حدی داشت و نمی توانست از آن حد فراتر رود. در کتاب «تاریخ قرون وسطی» اثر کاسمینسکی این مطلب، زیر عنوان «توسعه شهرها» بخوبی تشریح شده که ما عیناً آن را در اینجا نقل می کنیم:

«در قرون دوازده و سیزده شهرهای بسیاری بوجود آمد و جمعیت آنان به نحو قابل ملاحظه ای فزونی گرفت. در این زمان جمعیت یک شهر متوسط به پنج هزار و سکنه شهرهای بزرگتر به بیست هزار نفر می رسید. منظره داخلی شهر نیز مدام در تغییر بود. در عصر جنگ های پایان ناپذیر فنودالی، لازم بود از شهرها دفاع شود و از این رو شهرها به صورت دژی در آمده بود که با دیوارهای سنگی مستحکم و با برج ها و مزغل ها احاطه می شد و دیوار شهر معمولاً چهار دروازه داشت که اغلب به وسیله پلهای متحرک با خارج ارتباط می یافت.

دیوارهای شهر مانع توسعه آن بود و به همین جهت تنگی جا در شهرها به چشم می خورد. کوچه های تنگ و کج و معوج به مرکز - میدان شهر - منتهی می شد. در طول این کوچه ها خانه سنگی و چوبی صاحبان حرف<sup>1</sup> و سوداگران، متراکم و تنگ هم قرار داشت. این خانه ها چند طبقه بود، طبقات بالا از سطح طبقات پائین جلوتر می آمد. کوچه ها بسیار تنگ بود و آفتاب در آنها بسیار کم رخنه می کرد. اهالی شهر از چهارپایان نگاهداری می کردند، خوک ها در کوچه ها رها بودند و در همان حال زباله و کثافات از پنجره به کوچه ریخته می شد. کوچه ها سنگ فرش نبود و زمین به هنگام باران به شکل وحشتناکی گل می شد و در اینگونه مواقع عبور از کوچه ها با کفش چوبی و گاهی با چوب پا Echasse ممکن بود. ساختمانهای رفیع و برافراشته شهر و همچنین بازار در میدان مرکزی قرار داشت.

اهالی شهر در باغات، مزرعه ها چراگاههای پشت شهر به کشاورزی و دامپروری مشغول بودند. کثافات و تراکم جمعیت اغلب موجب شیوع امراض واگیر می شد و حریقهای پی در پی مصیبت دیگر شهریان بود. « و این حد توسعه و تکامل شهر در نظام فنودالی بود. نطفه نظام اجتماعی بعدی (سرمایه داری) در درون همین شهر های فنودالی بسته شد.

## فصل هفتم

### پیدایش نطفه های سرمایه داری

چنان که گفتیم در مرحله تکاملی فنودالیزم در شهر ها پیشه ورانی وجود داشتند که ابزار و آلات مختلف می ساختند و با این که دکاندار بودند و جنس می فروختند . این پیشه وران خودشان هم کارگر بودند هم کارفرما و بعضی هایشان یکی دو تا کارگر اضافه هم داشتند که روابطشان با آن کارگران مثل روابط پدر و فرزندی بود . یعنی این کارگران کاری می کردند و مزدی هم می گرفتند . به قول انگلس ، این مزد بیشتر به صورت مزد جنسی (غذا ، منزل نزد استاد کار) پرداخت می شد .

شاگرد پیشه ور ... مدت شاگردی خود را به منزله مدت آمادگی برای رسیدن به مقام استادی می دانست و امید داشت که مانند استاد پیشه ور در محل ثابتی سکونت اختیار کند و شاید خود بعد ها شاگردانی داشته باشد . از این رو او کوشش می کرد که فعالیت خود را که در آن زمان هنوز بر روی پیدا کردن مهارت در کار دستی استوار بود ، تکمیل نماید و مبلغ ناچیزی را که برای تهیه یک کارگاه مستقل لازم بود، پس انداز کند .

اگر فرصتی دست می داد با دختر یا بیوه استاد پیشه ور ازدواج می کرد و پس از گذراندن سال های شاگردی ، استاد پیشه ور محترمی می شد تا هر آنچه در دوره پادوی و شاگردی تحمل کرده بود ، بر سر پادوها و شاگردهای خود در بیاورد . تا زمانی که ارتقاء از مقام شاگردی به استادی امکان پذیر بود ، بین شاگرد و استاد که هر دوی آن ها روی کالای معینی کار می کردند و در سر یک میز غذا می خوردند ، تضاد طبقاتی نمی توانست وجود داشته باشد . بالاخره شاگردان پیشه ور در اثر همان تمایلی که به استاد شدن داشتند ، به مقررات موجود « تسلیم » می شدند . از طرف دیگر چون لازم بود پیشه ورها جنس خوب تحویل بازار بدهند ، تعویض شاگردان چندان آسان نبود . از این رو شاگردان می توانستند در مقابل استاد خود اظهار وجود کنند ، به همین جهت موقعیت اجتماعی شاگردان ، که در آغاز دوران سرمایه داری ، عده شان نسبت به عده استادان ، به هیچ وجه زیادتز نبود ، خیلی بهتر از وضع کارگران کارخانه های امروزی بود.» بدین ترتیب ، پیشه وران صاحب کار ، شاگردان خود را خیلی زیاد استثمار نمی کردند . جامعه آن روز هنوز فنودالی بود و این پیشه وران زیاد اعتبار و منزلتی نداشتند و معمولاً زیر دست و تحت نفوذ و فرمان فنودال ها بودند . زیرا پیشه وران در شهر ها زندگی و کار می کردند که شهر ها نیز یا محل قلعه و دستگاه اداری فنودال ها بود و یا این که لاقل در سرزمین قلمرو فنودال ها قرار داشت . به هر صورت فنودال ها فرمانروای مطلق سرزمین خود بودند و پیشه وران می بایست از آنان اطاعت کنند . از نظر اقتصادی هم آنها وابسته به فنودال ها بودند . فنودال ها بزرگترین مصرف کننده کالای پیشه وران بودند و پیشه وران هم مواد اولیه خود را بیشتر از فنودال ها می خریدند .

خلاصه ، کم کم با پیشرفت های فنی و تکامل ابزار ، کار پیشه وران هم کم کم رونق گرفت . کارگاه خود را توسعه دادند و کارگران خود را زیادتر کردند . علم و صنعت پی در پی پیشرفت می کرد و ابزار تولید کامل تر می شد . در سراسر دوران فنودالیزم ، به جز آسیای بادی و آبی ، هیچ ماشین دیگری وجود نداشت ، ولی در دوره رشد پیشه وران و تشکیل نطفه سرمایه داری ، کم کم ماشین بخار و غیره هم اختراع شد ، کارگاهها وسعت گرفت ، کارگران زیاد شدند و ثروت و اعتبار پیشه وران بالا رفت .

تا این که بعضی از پیشه وران خود به سرمایه داران با نفوذی تبدیل شدند . کالاهایشان که سابقاً ، فقط در بازار محلی به فروش می رسید ، راهی شهرها و روستاها و سایر نقاط دور دست شد . بازرگانی رونق گرفت و حمل و نقل و بانک<sup>۲</sup> به وجود آمد . سرمایه داران ، این طبقه تازه شکل گرفته ، در امور اداره دولت شرکت کردند و در مقابل فنودال ها قد علم کردند .

بدین صورت که پیشه وران شورای شهر تشکیل دادند و ثروتمندترین آن ها به نمایندگی آن انتخاب شدند . جریان نطفه بستن سرمایه داری ابتداء در اروپا به وقوع پیوست . مثلاً در انگلستان ، صنعت ماهوت سازی از قرن چهاردهم کم شروع به رشد کرد و در قرن شانزدهم وسعت بسیار زیادی یافت و این تولد بورژوازی در جهان بود. سرمایه داران اروپایی پر و بالی گرفتند ، به مجلس راه یافتند و ادارات و مأموران دولتی را زیر نفوذ گرفتند و خلاصه در اداره امور مملکت وزنه ای شدند . از طرفی بسیاری از فئودال ها دهقانان خود را از زمین بیرون کردند . کشت زارها و گله های بزرگ ترتیب دادند و با کارگر مزدور آن ها را اداره کردند .

این فئودال ها در واقع خود به سرمایه دار تبدیل شدند . بسیاری از سرمایه داران شهر هم به روستا رفتند ، زمین ها را از فئودال ها اجاره کردند یا خریدند و خود به اداره آن ها پرداختند . بیرون کردن کشاورزان از زمین در انگلستان باعث فقر و گرسنگی وحشتناکی شد . در میان جاده ها ، گروههای عظیم دهقانان بیکار سرگردان بودند . خلاصه سرمایه داران قسمت های زیادی از تولید جامعه را در دست گرفتند.

## فصل هشتم

### تضاد سرمایه داران با فئودال ها

بین سرمایه داران و فئودال ها تضاد های شدیدی وجود داشت :

- ۱ – تولید ناچیز دهقانان نمی توانست برای کارخانه های سرمایه داران مواد اولیه لازم را تهیه کند.
- ۲ – دهقانان فقیر و بی چیز پول نداشتند که کالاهای سرمایه داران را بخرند.
- ۳ – قسمت اعظم نیروی کار جامعه را دهقانان تشکیل می دادند که در اختیار فئودال ها بودند و در نتیجه سرمایه داران نیروی کار ارزان و فراوان در اختیار نداشتند.
- ۴ – جاده ها و راهها زیر فرمان فئودال ها بود و آن ها از کاروان های سرمایه داران مالیات می گرفتند.
- ۵ – قدرت اداری و سیاسی جامعه در دست فئودالها بود و این برای سرمایه داران مشکلاتی ایجاد می کرد.

## فصل نهم

### بر افتادن نظام فئودالی

خلاصه بین منافع سرمایه داران و فئودالها تضاد شدیدی وجود داشت . دهقانان نیز با فئودال ها خیلی دشمن بودند و مرتباً علیه آن ها شورش می کردند ، سرمایه داران این شورش ها را رهبری می کردند ، تا این که این شورش ها به انقلاب هائی تبدیل شد که نظام فئودالیزم را برانداخت و نظام سرمایه داری را جانشین آن گردانید . پس از شکست فئودالیزم ، باز توده ها که در این ماجرا چیزی به دست نیاورده بودند به شورش ها و قیام های خود ادامه می دادند ، ولی این بار سرمایه داران آنان را سرکوب کردند و رهبرانشان را با شکنجه و اعدام مجازات نمودند . نظام سرمایه داری در قرن هفدهم ، ابتداء در انگلستان و هالند بر قرار شد و در پایان قرن هژدهم هم که انقلاب بورژوائی فرانسه به وقوع پیوست ، قاره اروپا را فرا گرفت .

### برای مطالعه بیشتر

برای این که نظام اجتماعی فئودالی و قوانین پیدایش ، تکامل و سقوط آن را بهتر بشناسید کتاب های زیر را بخوانید ( اگر بترتیب بخوانید بهتر است ) :

۱ - سر سخن کتاب « دولت نادرشاه افشار » اثر مشترک آرونووا و اشرافیان "

لینک دانلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/624](https://t.me/Oqab_Library/624))

۲ - تاریخ قرون وسطی " اثر کاسمینسکی "

۳ - سیاحت نامه ابراهیم بیک " اثر حاج زین العابدین مراغه ای "

لینک دانلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/627](https://t.me/Oqab_Library/627))

ضمناً یادتان باشد مقدمه کتاب « تاریخ قرون وسطی » را پس از خواندن خود کتاب بخوانید ، چون این مقدمه برای شما از خود کتاب خیلی مشکل تر است و ممکن است شما را خسته کند .

گذشته از کتاب های یادشده ، کتاب های پر ارزش دیگری در باره فنودالیزم در ایران وجود دارد که متأسفانه فعلاً برای خوانندگان این کتاب سنگین است : مانند « تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم » ، ترجمه کریم کشاورز و کتاب پر ارزش پروفیسور پتروشفسکی « کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول » ، که البته دومی خیلی مشکلتر و نیز تخصصی تر است و فعلاً به درد شما نخواهد خورد .

- لینک دانلود کتاب "تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ی هجدهم" : ([https://t.me/Oqab\\_Library/628](https://t.me/Oqab_Library/628))

\*\*\*\*\*

۱ - صاحبان حرفه یی پیشه وران . بید سرخی

۲ - در بخش مربوط به نظام سرمایه داری ، درباره بانک ، بیشتر سخن خواهیم گفت .